

تاسیس و راهبری شبکه همکاران تحول علوم انسانی

سوال اصلی؛ از کجا و با چه مدلی تحول علوم انسانی را شروع کنیم؟

گام نخست:

کشف و بهره برداری از ظرفیت های موجود:

ملاحظات	نوع نیاز / ظرفیت	نهاد / جریان
...	کشف و تبیین مسائل کلان اندیشه ای علوم انسانی در مکاتب غربی	...
...	نقد مبانی غربی ناظر به جانمایی مساله در منظومه معارف و نیز تولید مبانی حکمی علوم انسانی اسلامی با ظرفیت ساختارمند و منسجم سرمایه انسانی موسسه	...
...	تبیین مسئله در منظومه معرفتی اسلام بر اساس نظرات امامین انقلاب	...
...	روش استنباط مبانی با الگوی فقه کلان (سیستمی)	...
...	طراحی و اجرای الگوی تبیین، پیاده سازی و راهبری در حاکمیت (اقامه)	...
...	شبکه همکاران	...

فرآیند اجرایی:

۱. فراخوان جشنواره محصولات علمی در حوزه های اولویت دار (نیاز / ظرفیت)
۲. تشکیل کارگروه ارزیابی آثار
۳. برگزاری دوره های آموزشی و نشست های علمی در مراکز با رویکرد اصلاح رویکردها
۴. تعیین قطب های علمی به منظور تحقق هر بخش

موشح: برگزاری همایش خوب است. بالاخره فشار به متفکران می آید تا مقالاتی ارائه کنند و درگیر موضوع شوند. ولی از آن مهم تر «گفتگو» است. صدها نخله و تفکر و اندیشه در حوزه های علمیه وجود دارد که به دلیل سالها عدم گفتگو نسبت به هم بسیار بیگانه شده اند. نه هم را می شناسند و نه هم را می پذیرند. دوردور چیزهایی از هم شنیده اند که سبب بی اعتمادی شده است. نمونه آن را در جلسات خود ستاد هوش مصنوعی دیدیم که چند جریان علمی حوزوی سر موضوع هوش مصنوعی و رابطه آن با ماده و نفس به چه نزاعی برخاستند. قطعاً بایستی در کنار این همایش کمیته ها و گروه هایی تشکیل شود که در زمان های وسیع و بدون نگرانی و بدون پوشش خبری از

محتوای جلسات راحت و بی‌دردسر با هم نزاع کنند، جدال کنند و بحث نمایند. نمایندگان اندیشه مکتب تفکیک ساعت‌ها با صدراپی‌ها بحث کنند. صدراپی‌ها با فرهنگستانی‌ها. وقتی جای رسانه و تماشاجی خالی باشد، بحث‌ها می‌تواند به سمت «انصاف» کشیده شود و از هوای نفس دور شود. سال‌ها بحث نیاز بوده و انجام نشده و در مبنای اختلاف‌ها زیاد شده. روزها بحث لازم است تا دیدگاه‌ها دوباره به هم نزدیک شود. آن‌هایی که یکدیگر را دشمن تلقی می‌کنند، در بُعد اندیشه، همین‌که در یک مکان گرد بیایند و بدون محدودیت حرف بزنند، حجاب دشمنی شکسته می‌شود و به هم‌بحث بدل می‌گردند. این گام بزرگی برای نزدیک شدن به ساحت تولید علوم انسانی اسلامی است.

پنج گام تحول از منظر رهبری:

۱. مدون کردن علوم انسانی بومی

۲. عدم واهمه از دانش آموختگی در علوم انسانی

۳. جسارت نقد علوم انسانی غربی

۴. تولید شکل بومی

۵. صادر کردن علوم انسانی به دنیا

موشح: این پنج گام را در فرمایشات رهبری با این نظم و با این ترتیب پیدا نکردم. بلکه در برخی سایت‌های خبری آمده است فردی با نام حجّت‌الاسلام شاکر در سلسله نشست‌های همایش علوم انسانی، پژوهش و فناوری این دسته‌بندی را از فرمایشات مقام معظم رهبری استنباط کرده و به ایشان منسوب نموده است. تصویری هم از ایشان در گوگل نیافتم.

فرمایشات رهبری در سایت دفتر درباره علوم انسانی مشتمل بر فرازهای ذیل است:

بنابراین یا بایستی این پنج گام مستند شود و یا با استدلال و توضیح برسیم به این‌که این گام‌ها ما را به نتیجه می‌رساند و صحیح است.

۱۹/۰۵/۱۳۹۰

ما بایستی در علوم انسانی اجتهاد کنیم؛ نباید مقلد باشیم. اما حالا فرض کنید که فلان رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه حذف بشود یا حذف نشود یا کم بشود؛ من روی این چیزها هیچ نظری ندارم. من نه نفی میکنم، نه اثبات میکنم؛ یعنی کار من نیست، کار مسئولین است. ممکن است مصلحت بدانند بعضی از رشته‌ها را حذف کنند یا

نکنند؛ حرف من این نیست؛ حرف من این است که در باب علوم انسانی کار عمیق انجام بگیرد و صاحبان فکر و اندیشه در این زمینه‌ها کار کنند.

۱۹/۰۵/۱۳۹۰

مبانی علوم انسانی در غرب از تفکرات مادی سرچشمه میگیرد. هر کس که تاریخ رنسانس را خوانده باشد، دانسته باشد، آدمهایش را شناخته باشد، این را کاملاً تشخیص میدهد.

۱۳/۰۷/۱۳۹۰

همه‌ی دانشها، همه‌ی تحرکات برتر در یک جامعه، مثل یک کالبد است که روح آن، علوم انسانی است. علوم انسانی جهت میدهد، مشخص میکند که ما کدام طرف داریم میرویم، دانش ما دنبال چیست. وقتی علوم انسانی منحرف شد و بر پایه‌های غلط و جهان‌بینی‌های غلط استوار شد، نتیجه این میشود که همه‌ی تحرکات جامعه به سمت یک گرایش انحرافی پیش میرود.

۰۱/۱۲/۱۳۹۱

علوم انسانی هوای تنفسی مجموعه‌های نخبه کشور است که هدایت جامعه را بر عهده دارند بنابراین آلوده یا پاک بودن این هوای تنفسی بسیار تعیین کننده است.

۰۱/۱۲/۱۳۹۱

اصلاح در علوم انسانی و تحول در سینما و تلویزیون بدون اصلاح پایه‌های معرفتی علوم انسانی غربی امکانپذیر نیست و اصلاح این پایه‌ها نیز در گرو ارتباط موثر با حوزه‌های علمیه و علمای دین است.

۱۹/۰۹/۱۳۹۲

به نظر بنده اساسی‌ترین کار هم این است که مبنای علمی و فلسفی تحول علوم انسانی باید تدوین بشود؛ این کار اساسی و کار اولی است که بایستی انجام بگیرد.

۱۱/۰۴/۱۳۹۳

مبنای علوم انسانی غربی، مبنای غیرالهی است، مبنای مادی است، مبنای غیر توحیدی است؛ این با مبنای اسلامی سازگار نیست، با مبنای دینی سازگار نیست. علوم انسانی آن وقتی صحیح و مفید و تربیت‌کننده‌ی صحیح انسان خواهد بود و به فرد و جامعه نفع خواهد رساند که براساس تفکر الهی و جهان‌بینی الهی باشد؛ این امروز در دانشهای علوم انسانی در وضع کنونی وجود ندارد؛ روی این بایستی کار کرد، فکر کرد. البته این کار، کار شتاب‌آلودی نیست - کار بلندمدتی است

۲۹/۰۶/۱۳۹۳

تحول و ارتقاء علوم انسانی بویژه تعمیق شناخت معارف دینی و مبنای انقلاب اسلامی با: تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و با انگیزه، اصلاح و بازنگری در متون، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی و ارتقاء کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی مربوط.

۲۶/۰۷/۱۳۹۳

مهندسی فرهنگی و موضوع تحول و نوسازی در نظام آموزشی و علمی کشور اعم از آموزش عالی و آموزش و پرورش و نیز تحول در علوم انسانی که در دوره‌های گذشته نیز مورد تأکید بوده است، هنوز به سرانجام مطلوب نرسیده است، به تعویق افتادن این امور خسارت بزرگی متوجه انقلاب اسلامی خواهد کرد

۱۳/۰۴/۱۳۹۴

تحول در علوم انسانی که به دلایل بسیار یک امر لازم و ضروری است، نیاز دارد به جوششی از درون و حمایتی از بیرون. خوشبختانه جوشش از درون امروز هست. من میبینم [گزارش کارها]، هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی -همین شورای تحول و دوستانی که در آنجا مشغول کارند- هم در خود دانشگاه‌ها، هم آن‌طور که امروز ملاحظه کردید [در صحبت] بعضی از دوستانی که درباره‌ی علوم انسانی صحبت کردند، نشان‌دهنده‌ی این است که این جوشش درونی در درون دانشگاه‌ها آن هم از سوی فرزندان و از سوی انسانهای دانشمند، وجود دارد؛ حمایت از بیرون هم باید وجود داشته باشد -حمایت گوناگون- که یکی از مصادیق این حمایت، تبعیت دانشگاه و وزارت از مصوبات شورای تحول است. یک مصوباتی دارند که امروز هم یکی از برادرها همین حالا بیان فرمودند که همان مقداری که کار شده، همین مقدار عملیاتی بشود. هر مقداری که تلاش شده است، کار شده است، این اجرائی بشود و عملیاتی بشود.

۱۴/۰۳/۱۳۹۵

هم فقه ما، هم جامعه‌شناسی ما، هم علوم انسانی ما، هم سیاست ما، هم روشهای گوناگون ما باید روزبه‌روز بهتر بشود، منتها به دست آدمهای خبره، به دست آدمهای وارد، به دست انسانهای اهل تعمق و کسانی که اهلیت ایجاد راههای نو را دارند؛ نیمه‌سوادها و آدمهای ناوارد و مدعی نمیتوانند کاری انجام بدهند

۰۱/۰۳/۱۳۹۶

ما حالا میخواهیم وارد بشویم و این مسائل را از آن ریشه‌ی به‌اصطلاح غیر دینی یا بعضاً ضدّ دینی آن جدا کنیم و به یک منشأ قرآنی و یک منشأ دینی و وحیانی متصل کنیم. خب این خیلی مهم است؛ این یک تسلط اساسی بر کارهای دیگران لازم دارد؛ ما باید بدانیم که دیگران در این زمینه‌ها چه کرده‌اند. [دانستن] کارهایی که آنها انجام داده‌اند، پیشرفتهایی که آنها انجام داده‌اند، از مسائلی است که مورد نیاز است

۲۰/۰۳/۱۳۹۷

شاگردی یک حرف است، تقلید یک حرف دیگر است! تا کی دنباله‌رو علم این‌وآن باشیم؟ چرا در زمینه‌ی علوم انسانی وقتی گفته میشود که بنشینیم فکر کنیم و علوم انسانی اسلامی را پیدا کنیم، یک عده‌ای فوراً برمی‌آشوبند که «آقا! علم است»؟ علم است؟ در علوم تجربی که علم بودنش و نتایجش قابل آزمایش در آزمایشگاه است، این‌همه غلط بودن یافته‌های علمی روزبه‌روز دارد اثبات میشود، آن‌وقت شما در علوم انسانی توقع دارید [غلط نباشد]؟ در اقتصاد چقدر حرفهای متعارض و متضاد وجود دارد! در مدیریت، در مسائل گوناگون علوم انسانی، در فلسفه، این‌همه حرفهای متعارض وجود دارد؛ کدام علم؟ علم آن چیزی است که شما به آن دست پیدا کنید، بتوانید بفهمید آن را، از درون ذهن فعال شما تراوش بکند. باید دنبال این باشیم که ما تولید علم بکنیم؛ تا کی مصرف کنیم علم این‌وآن را؟ بله، مانعی ندارد که مثل کالایی که خودمان نداریم، دیگری دارد و از او میگیریم و استفاده میکنیم، از علم دیگران استفاده بکنیم اما این نمیتواند دائمی باشد، این نمیتواند همیشگی باشد.

خلاصه فرمایشات حضرت آقا

۱. اهمیت علوم انسانی

۱/۱. علوم انسانی جهت‌دهنده به همه دانش‌ها و تحرّکات جامعه

۱/۲. علوم انسانی مانند هوای تنفسی مجموعه‌های نخبه‌های هادی جامعه

۱/۳. خسارت انقلاب اسلامی در صورت عدم تحوّل در علوم انسانی

۲. تدوین مبانی علمی و فلسفی

۲/۱. ضرورت تدوین مبانی علمی و فلسفی تحوّل علوم انسانی به عنوان اولین گام

۲/۲. سرچشمه گرفتن مبانی علوم انسانی در غرب از تفکر مادی

۳. توسط نخبگان

۳/۱. انجام کار عمیق در باب علوم انسانی توسط صاحبان فکر و اندیشه

۳/۲. تحوّل علوم انسانی به دست انسان‌های اهل تعمّق و باسواد

۴. در ارتباط با علمای حوزه

۴/۱. اصلاح علوم انسانی در گرو ارتباط مؤثر با حوزه‌های علمیه و علمای دین

۵. برنامه‌ریزی بلندمدت

۵/۱. کار بلندمدت برای تولید علوم انسانی بر اساس تفکر و جهان‌بینی الهی

۶. استفاده از تجربیات نخبگان کشورهای دیگر

۶/۱. تسلّط اساسی بر کارهای دیگران برای متصل کردن علوم انسانی به منشأ دینی

۷. اجرای مصوّبات شورای تحوّل

۷/۱. عملیاتی شدن مصوّبات شورای تحوّل در علوم انسانی